

مطالعه جامعه‌شناختی رؤیت‌پذیری زرتشتیان به عنوان یک اقلیت مذهبی در فضای عمومی شهر تهران

سمیه مومنی،* سارا شریعتی**

(تاریخ دریافت ۹۶/۱۰/۰۳، تاریخ پذیرش ۹۷/۰۴/۱۵)

چکیده: رؤیت‌پذیری از مباحث جدیدی است که با مسئله اقلیت‌ها در جوامع امروزی پیوند خورده است. گروه‌های اقلیت به نوعی خواستار رؤیت‌پذیری بیشتر و به رسمیت شناخته شدن در جامعه‌اند. این مقاله می‌کوشد رؤیت‌پذیری زرتشتیان به عنوان یکی از اقلیت‌های دینی شهر تهران را مورد مطالعه قرار دهد.

پرسش اساسی این است که رؤیت‌پذیری اقلیت زرتشتیان به مثابه یکی از سه اقلیت دینی قانونی در فضای عمومی شهر تهران چگونه است؟ مقاله پیش‌رو می‌کوشد تا رؤیت‌پذیری زرتشتیان شهر تهران را با استفاده از روش‌های مشاهده کلی، مشاهده همراه با مشارکت، مصاحبه عمیق و مطالعات اسنادی مطالعه کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به چهار شاخص مکان، مناسک، رسانه‌ها و پوشش، زرتشتیان رؤیت‌پذیری ندارند و در فضای عمومی شهر تهران تقریباً دیده نمی‌شوند و در نتیجه برخلاف اقلیت‌های مذهبی در جوامع دیگر مانند جوامع اروپایی، میل چندانی برای رؤیت‌پذیری در فضای عمومی جامعه ندارند.

مفاهیم کلیدی: رؤیت‌پذیری، اقلیت مذهبی، زرتشتیان، فضای عمومی، به حاشیه

رانده شدن

مقدمه و بیان مسأله

اغلب تحقیقات در ایران در خصوص دین، درباره دین اکثریت جامعه یعنی اسلام و تشیع انجام می‌گیرد اما تحقیقات در خصوص اقلیت‌های دینی که در ایران تاریخچه‌ای طولانی دارند، بسیار اندک صورت می‌گیرد. جهانی شدن، مهاجرت، درهم آمیختگی و ... عواملی اقلیت‌ساز و اکثریت‌سازند

*. کارشناس ارشد دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) somayehminoo@gmail.com

** استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران Smazinani@ut.ac.ir

که توجه به مسائل اقلیت‌های قومی-دینی در جامعه ایران را بیش از هر زمان دیگر ضرورت می‌بخشد. یکی از این مسائل مرتبط با اقلیت‌ها، مسئله «رؤیت‌پذیری»^۱ است.

از دهه ۱۹۷۰ میلادی در کشورهای غربی، اقلیت‌ها اعم از اقلیت‌های مذهبی، قومی، جنسیتی، نژادی و ... به نوعی خواستار رؤیت‌پذیری بیشتر در فضای عمومی و به رسمیت‌شناخته شدن توسط دیگران شده (امگار^۲ و همکاران، ۲۰۰۷، ژولی^۳، ۲۰۰۷، گرین^۴، ۲۰۱۰). در این میان اقلیت‌های دینی نیز خواستار حضور پررنگ‌تر در جامعه و رؤیت‌پذیری بیشتر شدند و بدنبال آنچه که بازگشت امر دینی، ظهور جنبش‌های جدید دینی و جهانی شدن و هویت‌گرایی خوانده می‌شود شاهد ظهور پدیده‌ای هستیم که توسط بسیاری از جامعه‌شناسان «رؤیت‌پذیری دینی در فضای عمومی» نام‌گذاری شده است و اشاره به گرایشی دارد که در میان پیروان ادیان مختلف در تظاهر بیش از پیش بیرونی هویت دینی خود به چشم می‌خورد. این نمود بیرونی را می‌توان در اماکن مذهبی، مناسک جمعی، پوشش خاص و ... مشاهده کردند، مناسک دینی که تا دیروز، در حوزه خصوصی، خانه‌های شخصی و گاه زیرزمین منازل پیروان ادیان مختلف برپا می‌شد امروز از شکل خصوصی و زیرزمینی خارج شده و خود را بیش از هر زمان در منظر و مرئای جامعه به نمایش می‌گذارند. اسلام، بودیسم، یهودیت و ... از خلال معماری (ساختن معابد و مساجد بزرگ و مجلل، گلدسته و مناره)، تحرکات شهری (انجام مناسک دینی در فضای شهر)، نوع پوشش (مثلاً حجاب برای زنان مسلمان، گذاشتن کلاه بر سر توسط یهودیان)، نام‌گذاری‌های خاص، ساخت سازمان‌ها و تشکل‌های گروهی، مطبوعات، شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و ... حضور چشمگیری در جوامع یافته‌اند و شهروندان با دیدن این نشانه‌ها و نمادها که در فضای عمومی پراکنده و نمایان است به وجود و زیست ادیان مختلف در جامعه‌شان پی می‌برند.

میل به نمایاندن خود که در ادبیات جامعه‌شناسی دین گاه زیر عنوان رؤیت‌پذیری دینی^۵ و در مواردی هویت‌گرایی دینی^۶ از آن نام برده می‌شود دلایل بسیاری دارد. جهانی شدن، وجود تکثردینی، تکثردینی، چند فرهنگی بودن جوامع غربی به دلیل خصلت مهاجرپذیر بودن و تفکیک میان جامعه مدنی و نظام سیاسی، به رسمیت شناخته شدن توسط جامعه میزبان و حفظ انسجام درونی با ایجاد اعتماد به نفس ناشی از پذیرفته شدن در جامعه از جمله این دلایل است (امگار و همکاران، ۲۰۰۷، ژولی، ۲۰۰۷، گرین، ۲۰۱۰).

1. Visibility
2. Amghar
3. Jouili
4. Green
5. Religious Visibility
6. Religious identitarism

در این شرایط، ایران از چه موقعیتی برخوردار است؟ آیا در ایران نیز می‌توان از گرایش عمومی اقلیت‌های دینی برای نمایاندن خود و رؤیت‌پذیری هر چه بیشتر سخن گفت؟ به عبارتی آیا همچنان که در جهان یا در کشورهای اروپای غربی شاهد گرایش اقلیت‌ها به رؤیت‌پذیری هستیم، می‌توان گفت که در ایران نیز اقلیت‌های دینی و مشخصاً زرتشتیان میل به رؤیت‌پذیری هر چه بیشتر خود در جامعه دارند و می‌خواهند روز به روز خود را بیشتر بنمایانند؟ اقلیت‌ها چه سهمی از فضای عمومی شهر تهران دارند و تا چه حد در این فضا رؤیت‌پذیرند و در میان دیگر اعضای جامعه، چگونه به‌مثابه اقلیت‌دینی شناخته می‌شوند؟

به سخن دیگر، سوال اصلی این تحقیق این است که رؤیت‌پذیری اقلیت زرتشتیان در فضای عمومی شهر تهران چگونه است؟ بنابراین هدف پژوهش نیز، بررسی جامعه‌شناختی مسئله رؤیت‌پذیری اقلیت زرتشتیان در فضای عمومی شهر تهران است.

پیشینه تحقیق

تحقیقات داخلی

به طور کلی می‌توان تحقیقات صورت گرفته در خصوص زرتشتیان به‌منزله یک اقلیت دینی را به پنج دسته کلی حوزه مطالعات تاریخی، زبان و فرهنگ‌های باستانی، هنر و معماری، حقوق و علوم سیاسی و علوم اجتماعی تقسیم نمود که در ادامه، تحقیقات علوم اجتماعی را مرور می‌کنیم.

جمشید کیومرثی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «زرتشتیان از دوران مشروطه تا امروز» به چگونگی اسکان زرتشتیان در تهران پرداخته و از آن‌جا که محقق خود زرتشتی بوده است، زیست درونی اقلیت زرتشتی را در مورد جشن‌ها به خوبی توصیف نموده اما تبیین نکرده است.

در پژوهشی دیگر، مریم پروینیا (۱۳۷۹) با عنوان «بررسی وضعیت زرتشتیان در ایران» به توصیفی از آیین‌ها، جشن‌ها و مناسک زرتشتی در میان زرتشتیان تهران، ساکن منطقه سید جمال‌الدین اسدآبادی پرداخته است، روش این مطالعه پیمایش بوده و در آن به مشکلاتی که زرتشتیان با آن مواجه بوده‌اند اشاره شده است. این پژوهش در رابطه با آیین‌ها خصوصاً آیین پُرسه (مراسم سوگواری)، اطلاعات مفیدی را جمع‌آوری کرده است.

درباره رؤیت‌پذیری مذهبی شاید بتوان گفت که تنها تحقیقی که در ایران تاکنون صورت گرفته، پژوهشی است که سارا شریعتی به همراه جمعی از دانشجویان خود با موضوع «دین در شهر» در سال ۱۳۸۸ انجام داده است، شریعتی در این پژوهش، رؤیت‌پذیری مذهبی را با چهار شاخص مکان، زمان، تحرک‌های شهری (مناسک، مراسم و جشن‌های مذهبی) و نهادهای سیاست‌گذار (نقش سیاست‌گذاری‌ها در نمود عینی دین) مطالعه نموده است. وی در این تحقیق به این نتیجه رسیده

است که نمود دین در شهر به‌طور مستقیم با سیاست‌گذاری‌های قدرت و نهادهای دولتی رابطه دارد (شریعتی، ۱۳۸۸).

با بررسی پایان‌نامه‌های انجام گرفته در حوزه علوم اجتماعی این نتیجه به‌دست می‌آید که اغلب تحقیقات در این زمینه به رشته‌های دیگر علوم اجتماعی همچون مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی^۱ تعلق دارد و در آن‌ها به بررسی آیین‌ها و مراسم دین زرتشتی پرداخته شده است.

تحقیقات خارجی

یکی از پژوهشگرانی که به‌طور مشخص و برجسته به مفهوم رؤیت‌پذیری پرداخته، آندرا موبی برایتی^۲ است که از سال ۲۰۰۵ تاکنون چندین مقاله و کتاب درباره این مفهوم و ارتباط آن با علوم اجتماعی منتشر نموده است، لیکن برایتی این مفهوم را بیشتر از منظر نظری در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی مطرح کرده تا در ارتباط با حوزه جامعه‌شناسی دین و اقلیت‌های دینی. همچنین کنفرانسی با عنوان «اقلیت‌های مذهبی، مذاهب اقلیت: رؤیت‌پذیری و به رسمیت‌شناخته‌شدن در فضای عمومی»^۳ در آوریل ۲۰۱۱ در فرانسه برگزار شده است که همین امر نشان دهنده این است که این مفهوم در حوزه جامعه‌شناسی دین، مفهومی جدید و پدیده رؤیت‌پذیری اقلیت‌های مذهبی، مسئله‌ای تازه است. در این همایش حدود دوازده کنفرانس ارائه شد که اکثر آن‌ها مطالعه موردی و صرفاً توصیفی بوده است که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره شده است.

۱. به عنوان نمونه می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره نمود:

- تحلیل کارکردی جشن گهنبار در میان زرتشتیان، نمونه مورد بررسی: زرتشتیان شریف آباد در جشن میان بهار (۱۳۷۹)، زهره محمدیان مغایر، کارشناسی ارشد، رشته مردم‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

- تحلیل مردم‌شناختی مقایسه خانواده و خویشاوندی در شیعیان و زرتشتیان مقیم تهران (۱۳۸۱)، فاطمه جزاغلامی، کارشناسی ارشد، رشته مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.

- بررسی وضعیت ازدواج و روش‌های مربوط به آن نزد زرتشتیان ایران (۱۳۳۷)، مهدی اشجعی، کارشناسی ارشد، رشته مردم‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

- مطالعه مردم‌شناسی زرتشتیان قریه حسن‌آباد میبد (۱۳۵۶)، مرتضی نجفی یزدی، کارشناسی ارشد، رشته مردم‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

- بررسی تطبیقی عناصر و نمادهای مقدس در فرهنگ ارامنه و زرتشتیان تهران (۱۳۸۵)، محمد رضا ایمانی، کارشناسی ارشد، رشته مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

2. Andrea Mubi Brighenti

3. Minorités religieuses, religions minoritaires: visibilité et reconnaissance dans l'espace public Colloque des 7-8 avril 2011, Strasbourg

اریک مولن در پژوهشی که تحت عنوان «انشعابات مذهبی در محدوده عقل دولت»^۱ انجام داده معتقد است: «در فرایند رؤیت‌پذیری، استراتژی‌های مختلفی وجود دارد. سؤال اصلی رؤیت‌پذیری این است که به چه کسی می‌خواهی نشان بدهی؟ و چه چیزی را می‌خواهی نشان بدهی؟ در این ماجرای چه کسی و چه چیزی، رؤیت‌پذیری راجع به کسانی است که تغییر مذهب می‌دهند و یا مهاجرانی که مذهبی متفاوت از بقیه دارند» و این‌جاست که مولن مطرح می‌کند که مسئله مهم، نه به دست آوردن هویت بلکه مسئله مشروعیت‌بخشی است. مولن می‌گوید خیلی اوقات، اکثریت حاکم به رؤیت‌پذیری اجتماعی توجهی ندارد و تحت عنوان مذهب، این جریان برجسته می‌شود و مذهب از همه چیز مهم‌تر می‌شود. در این‌جا مسئله پایین دست بودن اقلیت و تابع دیگری بودن مطرح می‌گردد. به‌طوری‌که اقلیت، مدام مجبور است به اکثریت بدهکار باشد و دائم حالت برتری و سلسله مراتبی در میان اقلیت و اکثریت وجود داشته باشد.

ایزابیل ریگونی در تحقیقی که با عنوان «اسلام رسانه‌ای، استراتژی‌های رؤیت‌پذیر شدن»^۲ در فرانسه، آلمان و انگلیس از سال ۲۰۰۱ به بعد انجام داده، معتقد است که رؤیت‌پذیری مسلمانان در اروپا یک فرایند چند دهه‌ای است که ابتدا با ایجاد انجمن‌ها و مساجد برجسته شد و سپس با توسعه حجاب و فروشگاه‌های اجناس حلال برای مسلمانان، دین و فرهنگ مسلمانان مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. از نظر وی باید دید مسلمانان از چه استراتژی‌هایی استفاده می‌کنند تا خود را رؤیت‌پذیر کنند. وی معتقد است که این ساده‌نگری است که بگوییم مسلمان‌ها چون چیزی ندارند روی حجاب و بدن‌شان تمرکز کرده‌اند و اگر دقت کنیم خواهیم دید که آنها در مکان‌های زیاد و با استراتژی‌های فراوان، خود را رؤیت‌پذیر می‌کنند تا جایی‌که فضای عمومی در حال تبدیل شدن به مکانی برای درگیری‌های بین اقلیت‌ها برای به‌رسمیت شناخته شدن است. به‌رسمیت شناخته شدن ارتباط نزدیکی با مطالعه روابط استراتژی‌های سلطه و سیاسی رؤیت‌ناپذیری^۳ دارد. دیالکتیک رؤیت‌پذیری/رؤیت‌ناپذیری جای تردید در نمایش دادن‌ها را باز می‌گذارد. ابتدا درباره اقلیت‌های مذهبی و فرهنگی مطرح می‌شود و سپس درباره تولیدات و اهداف اقلیت‌ها بحث می‌کند.

ثمیم اگنول^۴ در جمع‌بندی خود از این کنفرانس، نکات زیر را درباره اقلیت‌های مذهبی و رؤیت‌پذیری به‌عنوان نتایج سخنرانی‌ها مطرح می‌کند:

۱- تعریف اقلیت مذهبی، مسئله هویت را پیش می‌آورد. در تعریف اقلیت‌ها، مذهب، ملیت، قومیت و حتی طبقه‌اجتماعی نیز مطرح می‌شود. مثلاً طبقه مذهبی باعث تعلق به طبقه‌اجتماعی می‌

1. Éric Maulin (Université de Strasbourg / UMR 7012 PRISME-SDRE): "La dissidence religieuse dans les limites de la raison d'Etat"

2. Isabelle Rigoni (MIGRINTER): "L'Islam médiatique. Stratégies de visibilité"

3. Invisibility

4. Samim Akgönül

شود و یا عکس. در مورد این‌که آیا تعداد برای در موقعیت اقلیت بودن شرط است؟ لزوماً نه، زیرا که خیلی اقلیت‌ها در جامعه از نظر تعداد، اندک اما قدرتمند و حاکم‌اند.

۲- موضوع به رسمیت شناخته شدن باید قضایی و دولتی باشد که البته باعث وضع یک رشته قوانین مثبت و منفی می‌شود. ترجیح دولت این است که قانون یک واحد همبسته باشد، بنابراین به طور اجتناب‌ناپذیری درگیری‌هایی برای این‌که چه کسی نماینده آن قشری باشد که مخاطب دولت قرار می‌گیرند، بوجود می‌آید.

۳- رؤیت‌پذیری را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: ۱- رؤیت‌پذیری فیزیکی و ظاهری (مانند رنگ پوست و ...) ۲- رؤیت‌پذیری مذهبی ۳- رؤیت‌پذیری قضایی (معماری) ۴- رؤیت‌پذیری اجتماعی (طبقه اجتماعی و ...)

۴- دولت‌ها چه سیاست‌هایی برای اقلیت‌ها وضع می‌کنند؟ حکومت‌ها چگونه باید با اقلیت‌ها برخورد کنند؟ تحول گروه‌های اقلیت چگونه است؟ اقلیت‌ها چه نهادهایی را به وجود آورده‌اند؟ چه رسانه‌هایی را ایجاد کرده‌اند؟ در رسانه‌هایشان چه چیزی را نشان می‌دهند؟ رسانه‌ها در این بین نقش اساسی دارند و در دنیای امروز نقش اینترنت اهمیت ویژه‌ای دارد و رؤیت‌پذیری اقلیت‌ها را تغییر داده است.

با توجه به تحقیقات انجام گرفته در داخل و خارج از کشور می‌توان به این نکته پی برد که رؤیت‌پذیری اقلیت‌های مذهبی، مسئله‌ای نسبتاً جدید در جامعه‌شناسی به طور عام و در جامعه‌شناسی دین به طور خاص است و تحقیقات مشخص و دقیق چندانی با رویکرد جامعه‌شناختی در رابطه با این مسئله صورت نگرفته است. در نتیجه با توجه به اهمیت موضوع و خلأ تحقیقات علوم اجتماعی در این زمینه، مقاله پیش رو سعی دارد با رویکردی جامعه‌شناختی به مسئله رؤیت‌پذیری اقلیت زرتشتیان در فضای عمومی شهر تهران بپردازد.

پیشینه مفهومی

«رؤیت‌پذیری» مهم‌ترین مفهوم این تحقیق است، مفهومی تقریباً جدید که در کمتر از دو دهه مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. جامعه‌شناسان کلاسیک یا به آن نپرداخته‌اند و یا برخی از آنان از جمله زیمل به صورت خیلی کلی و مبهم به آن اشاره کرده‌اند. یکی از مهمترین حوزه‌هایی که در این زمینه مطرح شده، بحث‌هایی است که در مورد اقلیت‌ها به وجود آمده است، اقلیت‌هایی که تاکنون به رسمیت شناخته نمی‌شدند و رؤیت‌پذیر نبودند، اما اکنون خواهان به رسمیت شناخته شدن هستند و می‌خواهند خود را بیشتر در مرئای جامعه قرار داده و به دیگران بنمایانند.

در جهان امروز، همه ادیان به نوعی خواهان نمایاندن خود شده‌اند و میلی بین ادیان برای رؤیت‌پذیری به وجود آمده است. در این میان، رقابت ادیان مختلف برای ساخت معابد جدید با شکوه،

نوع پوشش، زبان خاص، نام‌گذاری‌ها، انجام مناسک در فضای عمومی، مطبوعات دینی، کالاهای دینی و ... گویای گرایش هر چه بیشتر اقلیت‌های دینی به رؤیت‌پذیر شدن است. برخی جامعه‌شناسان دین در سال‌های اخیر با توجه به رویت‌پذیری اقلیت‌ها (به‌ویژه مسلمانان در اروپا) به این امر پرداخته‌اند.

حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی از مطالعات جنسیت تا مطالعات اقلیت‌ها و از مطالعات ارتباطات تا نظریه‌های قدرت، مساله رؤیت‌پذیری را برجسته کرده‌اند.

ریچارد دایر^۱ - جامعه‌شناس و منتقد فیلم - جزء اولین کسانی است که برای نخستین بار در سال ۱۹۹۷ از خلال مطالعه موقعیت سیاهان در جامعه آمریکا به طور جدی به بحث رؤیت‌پذیری پرداخته است. وی در کتاب «سفید» با بحث درباره رؤیت‌پذیری / رؤیت‌ناپذیری در واقع پایه نقدی در خصوص اقلیت‌ها و روابط فرادستی و فرودستی میان گروه‌های مختلف نژادی، هویت‌های قومی، هویت‌های جنسی، زبانی و مذهبی را فراهم می‌کند. دایر بیان می‌کند که سفیدپوستان خود را به گونه‌ای بازنمایی کرده‌اند که آنان نه به‌مثابه سفید پوست بلکه به منزله انسان و یک وضعیت بهنجار و طبیعی انسان، پیش فرض گرفته می‌شوند. در نتیجه هیچ وقت مورد پرسش و تحقیق قرار نمی‌گیرند.

دایر معتقد است که تحقیقات در زمینه کتاب‌ها، موزه‌ها، روزنامه‌ها، تبلیغات، فیلم‌ها، تلویزیون و نرم افزارها به کرات نشان می‌دهند که در بازنمایی‌های غربی، سفیدپوستان به طرز چشمگیری رؤیت‌پذیرند و به دلیل جایگاه بهنجارشان به نظر می‌رسد که آنان نه به‌مثابه سفید پوست، بلکه به منزله انسان به خودشان نشان داده می‌شوند. به‌عبارت دیگر در سطح بازنمایی نژادی، سفیدپوست‌ها یک نژاد خاص نیستند بلکه آن‌ها نژاد برحق بشری تلقی شده‌اند. اگر در کشورهایی مانند ایالات متحده، بریتانیا، آلمان و دانمارک به اداره، بیمارستان یا رستوران بروید این سفیدپوست‌ها هستند که در کسوت مدیر، پزشک، پرستار و خدمتکار به چشم می‌آیند؛ غیرسفیدپوست‌ها نیز حضور دارند اما غالباً رؤیت‌ناپذیرند؛ آنان نقش پادو، خدمتکار آشپزخانه و دربان را ایفا می‌کنند. در این کشورها سفیدپوست‌بودن به مثابه مبنای فرهنگ و هویت نژادی غالباً غیر قابل مشاهده است و نژاد یا «رنگ پوست» به غیر سفیدپوست‌ها مربوط می‌شود. سیاهان، آسیایی‌ها، آمریکای لاتینی‌ها و بومیان آمریکا، نژادهای متمایزی هستند اما سفید و رای نژاد و «بی‌رنگ» تلقی می‌گردد، به گونه‌ای که گویی سفیدبودن، وضعیت طبیعی بشر است.

از نظر دایر سفید پوست‌ها صاحب قدرت‌اند و باور دارند که برای تمامی انسان‌ها فکر، احساس و عمل می‌کنند؛ سفیدها قادر نیستند خاص‌بودن خود را دریابند، آنان نمی‌توانند دیگران را به حساب آورند؛ سفید پوست‌ها تصویر مسلطی از جهان به وجود می‌آورند و نمی‌دانند که جهان را بر صورت

1. Richard Dyer

خویش ساخته‌اند؛ سفید پوست‌ها معیارهای انسانیت را تنظیم می‌کنند که مقید بودن به آن‌ها موجب موفقیت سفیدها و عدم توفیق دیگران می‌شود. بیشتر این اعمال دلخواه و با سوءنیت انجام نمی‌شود و قدرت سفید پوست‌ها خودش را بدون توجه به قصد و نیت آنها بازتولید می‌کند به این دلیل که آن‌ها نه سفیدپوست، بلکه بهنجار تلقی می‌شوند (دایر، ۱۹۹۷).

نگاه انتقادی و مفهوم‌پردازی دایر توان و قابلیت اعمال آن برای تحلیل و نقد موقعیت‌ها و شرایطی را به‌وجود می‌آورد که مفهوم «دیگری»^۱ وجود داشته باشد. «اقلیت» های قومی و مذهبی در مقابل «اکثریت» و بسیاری از طبقه بندی‌های موجود در جامعه را می‌توان بر اساس نظریه رؤیت‌پذیری/ رؤیت‌ناپذیری ریچارد دایر تحلیل کرد.

در ارتباط با بحث «دیگری» باید به ادوارد سعید^۲ اشاره نمود که در کتاب «شرق‌شناسی»^۳ فرایند دیگری‌سازی «شرق» توسط غربی‌ها را تشریح می‌کند. به عبارت دیگر «هر آن ساز و کارهای تاریخی‌ای را که فرهنگ اروپایی با توسل به آن‌ها شرق را مدیریت و یا حتی برساخته است، می‌نمایاند» (دالمایر، ۱۹۹۶: ۵۷).

از نظر سعید، «غرب» مجموعه پیچیده‌ای از تصورات به عنوان شرق تولید کرد که هیچ ربطی به شرق واقعی نداشت، بلکه صرفاً برساخته و بازنموده ذهن نسل‌هایی از محققان، شاعران و مورخان بود که تحت حاکمیت گفتمان قوم‌محوری قرار داشته و با قدرت حکمت‌اعلای خود مصونیت یافته و در نتیجه زمینه‌ای برای اقتدار استعماری غرب فراهم کرد (سعید، ۱۳۷۷: ۱۷۸). از این منظر، شرق‌شناسی با برساختن دیگری به انسجام هویت غربی مدد می‌رساند، به این صورت که با نوعی تمایزبخشی هستی‌شناختی/ معرفت‌شناختی، دو انگاری‌های متضادی نظیر غرب/ شرق، مسیحیت/ اسلام، متمدن/ بربر و ... را برمی‌سازد تا از طریق فرآیند دیگری‌سازی و حذف دیگری فروتر به معنا، اندیشه و هویتی همگن و منسجم دست یابد. بنابراین با تقسیم جهان به دو بخش شرقی/ غربی از ابتدا با پدیده قدرت پیوند می‌خورد و حاصل آن به نادیده‌گرفتن واقعیت شرق می‌انجامد.

براینتی در کتاب خود با عنوان «رؤیت‌پذیری در نظریه و تحقیق اجتماعی»^۴ (۲۰۱۰) معتقد است: «رؤیت‌پذیری یک تصور ساده نیست، بلکه فرایندی اجتماعی و واقعی است» (براینتی، ۲۰۱۰b: ۵۲). وی رؤیت‌پذیری را به منزله پدیده‌ای که به‌طور ذاتی مبهم است مطرح می‌کند و معتقد است که این مفهوم به میزان زیادی به تنظیم‌های سیاسی، فنی و اجتماعی ویژه بستگی دارد. به زعم او، رؤیت‌پذیری فهمی آزاد و سرگردان نیست بلکه در مرزها و جریان‌های مادی قرار دارد و در حقیقت

-
1. Other
 2. Edward Said
 3. Orientalism
 4. Visibility in Social Theory and Social Research

حوزه‌ای است که به‌طور بحرانی، در حد وسط حوزه‌های فنی (تکنیکی) و اجتماعی واقع شده است و پیچیدگی‌های جوامع تکنولوژیکی به شکل‌ها و ویژگی‌های رؤیت‌پذیری اجتماعی و رؤیت‌پذیری متقابل پیوند خورده است. او بین رؤیت‌پذیری و اصطلاح‌های دیگر نظیر میدان دید^۱، بینایی^۲، نگاه خیره^۳ و هر آنچه که مبتنی بر دیدن^۴ است تمایز قائل می‌شود. از نقطه نظر تئوری اجتماعی، رؤیت‌پذیری در آستانه بین نیروهای اجتماعی متفاوت معرفی شده است. با این توضیح، رؤیت‌پذیری به مثابه زمینه‌ای از ثبت و طرح‌ریزی عمل اجتماع فهم می‌شود، زمینه‌ای که به‌عنوان یک قلمرو^۵ می‌تواند کشف شود (براینتی، ۲۰۱۰a: ۴۳). در واقع او معتقد است که «روابط رؤیت‌پذیری به‌طور ساده روابط بصری نیستند، بلکه به‌طور معنی داری با عمل فرد ترکیب می‌شوند» (براینتی و متیوسی^۶، ۲۰۰۷: ۱۳).

رؤیت‌پذیری در تقاطع زیبایی‌شناختی (روابط ادراکی) و سیاست‌ها (روابط قدرت) قرار دارد. از این دیدگاه، البته توصیف رؤیت‌پذیری به‌مثابه امری نمادین، متمایز از نمایش‌های فرهنگی است. با این حال نمادها عناصر مهمی هستند که در میدان رؤیت‌پذیری ترسیم می‌شوند (براینتی، ۲۰۱۰b: ۵۲). براینتی رؤیت‌پذیری را امری می‌داند که مرز بین دیده شدن و دیده نشدن را تعیین می‌کند، «به‌طور اساسی رؤیت‌پذیری به عمل معرفی کردن، تاسیس کردن و آستانه مذاکرات توجه دارد که با هم مشارکت می‌کنند و مرزها را جدا می‌کنند و می‌توانند به‌طور واضح در روابط شهر و حوزه‌ی عمومی ساخته شوند» (براینتی و متیوسی، ۲۰۰۷: ۱۲). «رؤیت‌پذیری، یک ویژگی جهان اجتماعی است که برای دایرکردن یک رشته از مرزها بین قابل‌رؤیت و غیرقابل‌رؤیت به‌کار می‌رود. در این میان تنها آن‌هایی که با هنجارهای جامعه منطبق‌اند قابل‌رؤیت‌اند» (همان: ۱۳).

قلمروهای رؤیت‌پذیری و مدیریت رؤیت‌پذیری، اقدامی اجتماعی است که خود، محصولی از زمینه‌هایی از تعاملات تعریف شده به وسیله میزان رؤیت‌پذیری است. تأثیرات خاص شکل‌های متفاوت رؤیت‌پذیری، به شخص اجازه می‌دهد تا حالات مختلف سوژه را در میدان رؤیت‌پذیری‌های مختلف، تصور کند و رشته‌ای از تقاضاها، تمایلات و تضادها را به وجود آورد که به دنبال برقراری رابطه‌ای است میان چیزهای ممکن و چیزهای قطعی، میان چیزی که می‌تواند دیده شود و چیزی که باید یا نباید دیده شود، میان کسی که می‌تواند دیگران یا دیگر چیزها را ببیند یا کسی که نمی‌تواند آن‌ها را ببیند. این جریان، همواره در محیط‌های شهری وجود دارد. رؤیت‌پذیری در واقع خصوصیتی از حوزه اجتماعی است که در

1. sight
2. vision
3. gaze
4. visuality
5. territory
6. Mattiucci

کنش‌متقابل بنا شده است؛ برای مثال در اثر متقابل میان حوزه‌ی مادی و غیر مادی. در نتیجه میدان رؤیت‌پذیری شامل قلمرویی نامعلوم، میان اجتماع و تکنیک است.

ووسای^۱ و همکارانش در حوزه‌ی روان‌شناسی اجتماعی معتقدند که «رؤیت‌پذیری، به حقیقتی ارجاع دارد که دارای علامت مشخصه‌ای است و بیشترین تفاوت‌ها در آن مورد توجه قرار می‌گیرد» (ووسای و دیگران، ۲۰۰۸: ۱۱۶). این دیدگاه با داده‌های روان‌شناسی اجتماعی که تمایز دریافتی و رؤیت‌پذیری ویژگی‌های معین آن برجسته‌تر است، سازگاری بیشتری دارد، بر این اساس، تمایزات دریافتی به واسطه‌ی رؤیت‌پذیری‌ها، ویژگی‌های متفاوت بیشتری را برجسته می‌کند و در این صورت، شمار بیشتری از اعضای گروه‌های اقلیت در میان دیگر گروه‌های عضو که اعضای گروه‌های اکثریت‌اند شناخته می‌شوند. این علامت مشخصه را می‌توان در مورد اقلیت‌های دینی به معابد، مساجد، کلیساها، نوع پوشش و... نسبت داد که به‌وسیله‌ی آن، گروه‌های اقلیت سعی دارند از یک‌دست شدن در جامعه‌ی اکثریت اجتناب کرده و بدین طریق تمایز خود را از گروه اکثریت نشان دهند و رؤیت‌پذیری بیشتری کسب نمایند.

کیپنیس^۲ معتقد است که «رؤیت‌پذیری، نظام پیچیده‌ای از مجازها و ممنوع‌ها، از بودن‌ها و نبودن‌ها است» (کیپنیس، ۱۹۹۳: ۱۰ به نقل از تایرر^۳، ۲۰۰۸: ۴۹). این تعریف از رؤیت‌پذیری را می‌توان این‌گونه توضیح داد که هر جامعه باید‌ها و نباید‌های خاص خود را دارد و این باید‌ها و نباید‌ها از ارزش‌های اکثریت جامعه نشأت می‌گیرد و از آنجا که ارزش‌ها و فرهنگ‌های گروه‌های اقلیت، متفاوت از گروه اکثریت است، در نتیجه نظامی از ممنوع‌ها و مجازها در جامعه به‌وجود می‌آید که مجازها قابلیت رؤیت‌پذیر بودن را دارند و ممنوع‌ها این امکان را ندارند.

می‌توان گفت رؤیت‌پذیری به نوعی اولین بار در آثار جرج زیمل^۴ مطرح شد. «وی در آثارش در خصوص جامعه‌شناسی حواس^۵ (۱۹۶۹)، کارکرد جامعه‌شناختی دقیقی را از چشم، خصوصاً برخورد متقابل چشم به چشم را مورد بررسی قرار داده است. از نظر زیمل، صراحت این برخورد از رؤیت‌پذیری متقابل، اساسی‌ترین نوع تعامل بشری است» (براینٹی، ۲۰۰۷: ۳۲۵ و ۲۰۱۰a: ۲۴). زیمل معتقد است «"دیدن" پدیده جامعه‌شناختی بی‌نظیری در تعامل میان افراد است، تا آن حد که وی ادعا می‌کند نگاه کردن دو نفر به یکدیگر شاید بی‌واسطه‌ترین و خالص‌ترین رابطه‌ی دو طرفه‌ای باشد که وجود دارد» (فریزی، ۱۳۸۶: ۲۲۴-۲۲۵). شخص دیگری که به این مفهوم پرداخته، اروین گافمن^۶

1. Albert Voci
2. Laura Kipnis
3. Tyrer
4. Georg Simmel
5. the sociology of the senses
6. Erving Goffman

جامعه‌شناس کانادایی است، «وی در کتاب «نمود خود در زندگی روزمره» (۱۹۵۹)، روش‌های ماهرانه‌ای را که درون روابط رؤیت‌پذیری انجام می‌گیرد، مشکلی از آیین خود نمایشی^۱ توصیف می‌کند. از نظر گافمن رفتار در فضای عمومی، مشروط است. وی معتقد است مدیریت رؤیت‌پذیری دو جنبه از میان عوامل اجتماعی، مستلزم دید مثبت داشتن به ظاهر دیگران و احترام به آن‌ها است» (براینی، ۲۰۱۰: ۲۴). براینی از زیمل و گافمن پا را فراتر می‌نهد و رؤیت‌پذیری را تنها در روابط رودرو نمی‌بیند، وی به رؤیت‌پذیری از زاویه روابط غیرشخصی محض توجه می‌کند، به بیان دیگر، به مثابه یک میدان به این مفهوم توجه می‌کند، گافمن و سادنو^۲ موقعیت رؤیت‌پذیری یک شخص را و جایی که اطلاعات رؤیت‌پذیری از محیط به فرد منتقل می‌شود، توضیح می‌دهند، اما براینی معتقد است که «باید همه موقعیت‌های متفاوت دیگر رؤیت‌پذیری را توضیح داد. هنگامی که تغییر شکلی در رؤیت‌پذیری‌های متقابل رخ می‌دهد، برای مثال باید به جایی که بیشتر یا کمتر قابل‌رؤیت می‌شود، به کسی که در حال عمل و عکس‌العمل مشخصه‌های میدان است و روابط ویژه‌ای که در حال شکل گرفتن است، توجه کرد. میدان رؤیت‌پذیری از تمام روندهای رؤیت‌پذیری منحصر به فرد، متمایز است. زمانی که رؤیت‌پذیری در یک میدان مستقل نیست و وابسته است، رؤیت‌پذیری غیرشخصی وجود ندارد و رؤیت‌پذیری‌ها برنامه‌ریزی شده است. در واقع، مدیریت رؤیت‌پذیری چیزی است که موجودات بشری به‌طور خستگی‌ناپذیر انجام داده و به مثابه تکنولوژی‌های ارتباطی، میدان رؤیت‌پذیری اجتماعی را بسط می‌دهند. بدین ترتیب، رؤیت‌پذیری به یک بازار عرضه و تقاضا در میدان تبدیل می‌شود» (براینی، ۲۰۰۷: ۳۲۶).

برای بررسی رؤیت‌پذیری زرتشتیان در تحقیق پیش‌رو با استفاده از پیشینه مفهوم، چهار شاخص جهت سنجش رؤیت‌پذیری زرتشتیان انتخاب شد. این چهار شاخص عبارتند از شاخص مکان (شریعتی، ۱۳۸۸، اندرسون، ۲۰۰۹، ریگونی، ۲۰۱۲)، شاخص رسانه‌ها (تامپسون، ۲۰۰۵، ریگونی، ۲۰۱۲، شریعتی، ۱۳۸۸)، شاخص مناسک (شریعتی، ۱۳۸۸، براینی، ۲۰۱۰) و شاخص پوشش (ریگونی، ۲۰۱۲، علیوی، ۲۰۰۳، ژولی، ۲۰۰۷، اندرسون، ۲۰۰۹، شریعتی، ۱۳۸۸) که در بخش یافته‌ها رؤیت‌پذیری زرتشتیان در فضای عمومی شهر تهران با توجه به این چهار شاخص بررسی شده است.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیقات جامعه‌شناختی مکفی در حوزه رؤیت‌پذیری صورت نگرفته است لذا تحقیق پیش‌رو جنبه‌ای اکتشافی پیدا می‌کند، از سوی دیگر این مقاله می‌کوشد که با نگاهی نو درباره رؤیت‌پذیری اقلیت زرتشتیان و ارتباط آن‌ها با جامعه شهری تهران گام بردارد و از آن‌جا که به دلیل مذهبی و

1. self-presentation
2. Sudnow

شیعی‌بودن جامعه ایران، اقلیت‌ها در معرض حساسیت‌های سیاسی- اجتماعی قرار دارند و جلب اعتماد در میان آن‌ها مستلزم استفاده از استراتژی‌های خاص است، با روش‌های کمی امکان‌چندانی برای دستیابی به هدف تحقیق وجود نداشت، در نتیجه، محقق با رویکردی کیفی در بستر پژوهشی اکتشافی وارد میدان شده و از مشاهده و مصاحبه اکتشافی استفاده کرده است. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری، داده‌های تحقیق را در بستر پژوهشی توصیفی از طریق تکنیک‌های مشاهده، مشاهده همراه با مشارکت، مصاحبه و مطالعات اسنادی به دست آورده و در نهایت داده‌ها با استخراج مقولات، تحلیل و تفسیر شده‌اند. در جدول شماره ۱ به خلاصه روش‌ها اشاره شده است.

جدول شماره ۱: مشخصات روشی

روش	مراحل
رویکرد کیفی	رویکرد کلی پژوهش
مصاحبه و مشاهده	مرحله اکتشافی و توصیفی
نمونه‌گیری نظری	روش نمونه‌گیری
مشاهده (مشارکتی)، مصاحبه، مطالعات اسنادی	روش جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها

در این تحقیق در مجموع با ۱۱ نفر و به مدت ۶۵۸ دقیقه (معادل ۱۰ ساعت و ۹ دقیقه) مصاحبه عمیق انجام شده است. مصاحبه‌ها از نوع مصاحبه مسئله محور^۱ و نیمه ساخت یافته^۲ بوده است. ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان در جدول شماره ۲ آمده است:

جدول شماره ۲: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

تعداد	سطح سواد	سطح اطلاع	سن	زمان مصاحبه
۵ نفر	فوق لیسانس (۱) / لیسانس (۳) / دیپلم (۱)	مطلع ^۳ (۳) / عادی (۲)	۲۸-۳۴-۴۵	۳۰۵ دقیقه (۵ ساعت و ۵ دقیقه)
۶ نفر	لیسانس (۴) / فوق دیپلم (۱) / دانش آموز (۱)	مطلع (۴) / عادی (۲)	۱۸-۴۰-۴۰	۳۵۳ دقیقه (۵ ساعت و ۵۳ دقیقه)

یافته‌ها

جمعیت و پراکندگی زرتشتیان در تهران

با مراجعه به سایت مرکز آمار، جمعیت زرتشتیان ایران و تهران از سال ۱۳۳۵ که سرشماری انجام شده در جدول زیر آورده شده است.

1. Problem-centered
2. Semistrued Interview

۳. مطلع، کسی است که در جامعه زرتشتیان فعال است و مسئولیتی نیز بر عهده دارد.

جدول شماره ۳: جمعیت زرتشتیان ایران و تهران

سال	جمعیت کل ایران	جمعیت کل تهران	زرتشتیان ایران	زرتشتیان تهران
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۱۵۱۲۰۸۲	۱۵۶۲۲	-
۱۳۴۵	۲۵۰۸۷۹۲۳	۲۸۲۷۸۰۰	۱۹۸۱۶	۹۳۸۱
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	-	۲۱۴۰۰	-
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۶۰۵۸۲۰۷	۹۰۸۹۱	۲۰۶۸۹
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۶۷۹۴۳۴۸	۲۷۹۲۰	۱۰۶۴۰
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱۳۴۲۲۳۶۶	۱۹۸۲۳	۹۸۶۷
۱۳۹۰	۷۴۶۸۲۸۴۲	۸۲۹۳۱۴۰	۲۵۲۷۱	۱۱۰۰۰

با توجه به جمعیت زرتشتیان می‌توان گفت که جمعیت این گروه از دهه شصت شمسی رو به کاهش گذارده که به دلایل آن در بخش عوامل رؤیت‌ناپذیری پرداخته شده است. درباره پراکندگی زرتشتیان می‌توان گفت که تعداد زیادی از زرتشتیان در مناطق تهران پارس، یوسف‌آباد، سنایی، گیسا و تخت طاووس ساکن هستند که از قدیم هم در این مناطق می‌زیسته‌اند، پس از آن در مناطق امیر آباد، شهرک غرب، تهران ویلا، شهر آرا، میرزای شیرازی، کریم‌خان زند، حافظ، بزرگراه رسالت (دیوار شرقی مصلاى تهران)، عباس‌آباد، سهروردی و چندین خانوار هم در جنت‌آباد پراکنده‌اند (کیومرثی، ۱۳۸۲: ۵۸).

«قدیمی در این محلات [شاه وهرام ایزد] بودند، اما الان همه رفته‌اند» [۴]^۱

اگر چه بیشتر زرتشتیان در مناطق گفته شده، متمرکزند، اما می‌توان گفت که آنها از یک پراکندگی نسبی در کل شهر تهران برخوردارند.



رؤیت‌پذیری زرتشتیان در تهران

رؤیت‌پذیری زرتشتیان با چهار شاخص مکان، مناسک، رسانه‌ها و پوشش مورد بررسی قرار گرفته است که یافته‌ها در ادامه آمده است.

الف) رؤیت‌پذیری مکانی

مکان‌های زرتشتیان در تهران شامل مکان‌های مذهبی (آدریان تهران، شاه‌ورهرام ایزد، رستم‌باغ

عکس شماره ۱: درب ورودی انجمن زرتشتیان تهران

۱. به دلیل عدم تمایل مصاحبه‌شوندگان به ذکر نامشان، از شماره ۱ تا ۱۱ برای نقل قول یازده مصاحبه‌شونده استفاده شده است.

[مجتمع مسکونی-مذهبی]، انجمن‌ها (انجمن زرتشتیان تهران، انجمن موبدان، سازمان جوانان فروهر، سازمان زنان زرتشتی، کانون دانشجویان)، مکان‌های فرهنگی (مجتمع فرهنگی ورزشی مارکار، خانه فرهنگ و هنر، کتابخانه یگانگی، انتشارات راستی، انتشارات فروهر، دفتر روزنامه امرداد، بنیاد فرهنگی جمشید جاماسیان)، مکان‌های آموزشی (مدارس) (دبیرستان فیروز بهرام، نوشیروان، راهنمایی گشتاسب، راهنمایی رستم‌آبادیان، دبستان جمشید جم و دبستان گیو)، مکان‌های ورزشی (آدریان بزرگ، باشگاه جوانان فروهر)، مهمان‌پذیر، خانه سالمندان، درمانگاه و آرامگاه است.

انجمن زرتشتیان تهران را می‌توان قطب فعالیت‌های زرتشتیان در تهران و ایران دانست چرا که تصمیمات مهم دربارهٔ این اقلیت در این انجمن اتخاذ می‌گردد. انجمن زرتشتیان در خیابان جمهوری، خیابان میرزا کوچک‌خان در کنار آدریان (مکان نیایش زرتشتیان) قرار دارد. انجمن زرتشتیان تهران با دارا بودن سردری به ابعاد (۶۰×۱۵۰ سانتی‌متر) یکی از مکان‌های زرتشتیان است که رؤیت‌پذیری نسبی دارد.

انجمن موبدان را می‌توان دومین مکان زرتشتیان، از لحاظ اهمیت دانست که متکفل آموزش و تأیید موبدان و موبدیاران در ایران است که در ابتدای خیابان فلسطین، کوچه حجت دوست واقع شده است.

ساختمان انجمن موبدان، ساختمانی دو طبقه، بسیار قدیمی و با نمای آجری است که رؤیت-پذیری زیادی ندارد.

آدریان تهران، مهمترین معبد و نیایشگاه زرتشتیان در تهران است. که در خیابان میرزا کوچک خان واقع شده است.



عکس شماره ۲: آدریان

به دلیل سبک معماری خاص، در ورودی آدریان، توجه هر بیننده‌ای را جلب می‌کند، اما هر رهگذری به سادگی نخواهد فهمید که این مکان، مکان نیایش زرتشتیان است، زیرا هیچ تابلویی که نشان‌دهندهٔ معبد زرتشتیان باشد در آن‌جا وجود ندارد. بنابراین آدریان تهران به‌عنوان نشانه‌ای از موجودیت زرتشتیان، برای رهگذران رؤیت‌پذیری ندارد.

مجتمع دینی- فرهنگی مارکار یکی دیگر از

مکان‌های مهم زرتشتیان است که در آن کلاس‌های هنری و ورزشی برگزار می‌گردد و به علت سالن بزرگ ششصد نفری آن، برای برگزاری بزرگترین جشن‌های زرتشتیان نیز استفاده می‌گردد. مجتمع

مارکار در خیابان جشنواره بالاتر از فلکه دوم تهران پارس واقع شده است و هیچ نشان یا علامتی برای رؤیت‌پذیری آن وجود ندارد.

رستم‌باغ، مجتمع مسکونی مختص زرتشتیان است که در سال ۱۳۳۶ جهت



عکس شماره ۳: مجتمع دینی- فرهنگی مارکار
اسکان زرتشتیانی که قادر به تهیه مسکن نبودند، ساخته‌شده است که با مساحت تقریبی ۲۵۰۰۰ مترمربع در فلکه‌ی دوم تهران پارس واقع شده است و شامل آدریان، کتابخانه، تالارها، زمین ورزشی، ساختمانهای مسکونی برای حدود ۸۸ خانوار است. این مجموعه نیز هیچ نشانه و علامتی که گویای زرتشتی بودن این مکان باشد، ندارد لذا برای رهگذران، رؤیت‌پذیری نیست.



عکس شماره ۴: سردر معبد رستم باغ

شاه ورهرام ایزد از دیگر نیایشگاه‌های

زرتشتیان است که در محله امیریه تهران، کوچه ژیان پناه واقع شده است. شاه ورهرام تابلوی مشخصی ندارد و به‌مثابه یک مکان مذهبی زرتشتی برای رهگذران رؤیت‌پذیری ندارد اگر چه ساختمان آجری و قدیمی آن در میان ساخت و سازهای انجام شده، آن را از بقیه ساختمان‌ها مجزا ساخته است.



عکس شماره ۵: شاه‌ورهام

در باب مکان‌های آموزشی زرتشتیان

می‌توان گفت که زرتشتیان مالک ۹ مدرسه در

تهران هستند که همه آن‌ها در اجاره آموزش و پرورش است. از این میان، ۶ مدرسه مختص زرتشتیان است، سه مدرسه در سه مقطع دبستان (جمشید جم)، راهنمایی (رستم آبادیان) و دبیرستان (فیروز بهرام) ویژه پسران و سه مدرسه گیو و نوشیروان در سه مقطع، مخصوص دختران است. از مدارس پسرانه، زرتشتیان و اقلیت‌های دیگر می‌توانند استفاده نمایند ولی در مدارس

دخترانه، مسلمانان نیز می‌توانند ثبت نام کنند. مدیریت مدارس پسرانه، زرتشتی و دخترانه، مسلمان هستند. همه این شش مدرسه، تحت نظارت انجمن زرتشتیان تهران است. از میان این مدارس فقط مدرسه راهنمایی پسرانه رستم آبادیان از طریق تابلوی دارای نشان فروهر تا حدی رؤیت‌پذیر است و بقیه مدارس رؤیت‌پذیری ندارند.



عکس شماره ۶: آرامگاه قصر فیروزه

تنها آرامگاه زرتشتیان در تهران بنام گورستان قصر فیروزه در شرق تهران در اتوبان بسیج (افسریه)، بولوار هجرت واقع شده است. دو روز در سال، یعنی روز جشن فروردینگان و روز مرگ زرتشت که زرتشتیان همگی به آنجا می‌روند، جلوی درب بسیار شلوغ می‌شود و ماشین‌های زیادی در کنار درب ورودی آرامگاه پارک می‌کنند. در این دو روز رؤیت‌پذیری آرامگاه به واسطه ازدحام آن‌ها وجود دارد اما در حالت معمولی این آرامگاه رؤیت‌پذیری ندارد.

درباره مکان‌های زرتشتیان در مجموع می‌توان گفت که به غیر از سه مکان انجمن زرتشتیان تهران، خانه سالمندان زرتشتی و مدرسه راهنمایی پسرانه رستم‌آبادیان که بواسطه تابلوهایی که دارای علامت فروهر است در فضای عمومی شهر تهران تا حدی رؤیت‌پذیر هستند. مکان‌های دیگر از هیچ‌گونه رؤیت‌پذیری برخوردار نیستند به این معنا که برای رهگذر در شهر، مکان‌های زرتشتی هیچ نشانه یا علامتی که به عابران یادآوری کند که این مکان‌ها، متعلق به زرتشتیان است، وجود ندارد.

ب) رؤیت‌پذیری مناسکی

امروزه هر چند مناسک زرتشتیان به شیوه گذشته برگزار نمی‌شود و زندگی شهر نشینی تغییرات زیادی را در جشن‌ها به وجود آورده است، اما با این حال بزرگترین مرجع هویت بخشی زرتشتیان جشن‌هایی است که این اقلیت را گرد هم می‌آورد و حس تعلق و زرتشتی بودن را به آن‌ها القاء می‌کند. جشن‌ها در نزد زرتشتیان از قداست برخوردارند و زمان عرفی را برای آن‌ها به زمان مقدس تبدیل می‌کند لذا زمان و تقویم نقش مهمی در حیات اجتماعی زرتشتیان دارد، به طوری که زندگی زرتشتیان بر پایه تقویم و جشن می‌چرخد.

از مهمترین جشن‌های زرتشتیان می‌توان به جشن سده و جشن مهرگان اشاره کرد، بقیه جشن‌ها خصوصا جشن‌های ماهانه به صورت درونی در آدریان یا رستم باغ و یا مارکار برگزار

می‌گردد و هیچ‌گونه رؤیت‌پذیری ندارند. جشن سده و جشن مهرگان برای ایرانی‌ها شناخته شده‌تر هستند که این دو جشن و همچنین جشن زادروز اشو زرتشت در محل مارکار تهرانپارس برگزار می‌شود که به دلیل بسته‌بودن فضا و عدم امکان حضور مسلمانان این جشن‌ها نیز رؤیت‌پذیر نیستند. جشن فروردینگان(فرودگ) و درگذشت زرتشت پیامبر در آرامگاه که در میان دیوار بلندی محصور شده است، برگزار می‌شود، از این رو رؤیت‌پذیری ندارد.

بنابراین جشن‌های زرتشتیان که مهمترین مناسک زرتشتیان است و با وجود اهمیت فوق‌العاده- ای که این اقلیت به آن می‌دهند، برای غیر زرتشتیان رؤیت‌پذیری چندانی ندارند زیرا این جشن‌ها در فضاهای بسته برگزار می‌گردند و امکان حضور مسلمانان در آن‌ها وجود ندارد لذا جشن‌ها حالت مناسک درونی را پیدا می‌کنند و نمود بیرونی ندارند.

ج) رؤیت‌پذیری رسانه‌ای



عکس شماره ۷: دو هفته‌نامه اُمرداد

از دیگر شاخص‌های سنجش رؤیت‌پذیری در این پژوهش، رسانه‌های اقلیت زرتشتی است. رسانه‌های زرتشتیان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد، رسانه‌های عمومی و رسانه‌های داخلی. رسانه‌های عمومی شامل رسانه‌های مکتوب و رسانه‌های الکترونیکی است و رسانه‌های داخلی نیز شامل ماه‌نامه‌ها و گاه‌نامه‌هایی است که برای خود جامعه زرتشتیان منتشر می‌شود و چون داخلی هستند و رؤیت‌پذیری عمومی ندارند از بررسی این تحقیق خارج‌اند.

مهم‌ترین رسانه عمومی مکتوب زرتشتیان، دو هفته نامه اُمرداد است که از سال ۱۳۷۸ منتشر می‌شود و تنها نشریه‌ای است که می‌توان از کیوسک‌های روزنامه‌فروشی تهیه کرد. اُمرداد، هفته‌نامه خبری فرهنگی است که با هدف شناساندن تاریخ، فرهنگ و تمدن ایرانیان و پژوهش در این زمینه و هرگونه خبررسانی دیگر در تهران تاسیس شده است.

ماه‌نامه فروهر، دیگر رسانه عمومی مکتوب زرتشتیان است که از سال ۱۳۴۴ منتشر می‌شود. تنها مکانی که می‌توان این مجله را تهیه کرد، انتشارات فروهر در خیابان فلسطین جنوبی است. در انتهای هر شماره این مجله اجتماعی- فرهنگی، بیان هزینه‌های جامعه زرتشتیان، میزان پول‌هایی که خیرین داده‌اند، ازدواج‌ها، تولدها و فوت‌هایی که طی دو ماه در جامعه زرتشتیان رخ می‌دهد، درج می‌شود.

رسانه‌های الکترونیکی، رؤیت‌پذیرترین نوع رسانه‌های زرتشتی به شمار می‌روند. این رسانه‌ها شامل سایت‌ها و بلاگ‌هایی است که زرتشتیان در فضای اینترنت ایجاد کرده‌اند.^۱ در باب رسانه‌ها می‌توان گفت که آن‌ها برای اقلیت زرتشتی از اهمیت زیادی برخوردارند. زرتشتیان برای اینکه در فضای عمومی شهر تهران و حوزه‌ی عمومی جامعه‌ی ایران، خود را بیشتر به رسمیت بشناساند و از طرفی ارتباطات جامعه‌ی خود را افزایش دهند، در این زمینه به نسبت تعداد افراد جامعه‌ی خود از فعالیت بالایی در رسانه‌های الکترونیکی برخوردارند.

د) رؤیت‌پذیری در پوشش

زرتشتیان در تهران، پوشش سنتی ندارند لذا رؤیت‌پذیری ندارند و از آنجا که در ایران داشتن حجاب، جزء قوانین کشور است لذا پوشیدن روسری سفید توسط زرتشتیان نمی‌تواند مشخص‌کننده زرتشتی بودن آن‌ها باشد و تنها در مراسم ختم و یا پرسه همگانی که عده‌ی زیادی از آنان با روسری‌های سفید به آن مجالس می‌آیند، افرادی که آن‌ها را می‌بینند می‌توانند به زرتشتی بودن آن‌ها پی ببرند، اما در کل، زرتشتیان از لحاظ پوشش با سایر افراد جامعه قابل تمایز نیستند و پوشش را نمی‌توان به‌عنوان مشخصه رؤیت‌پذیری این اقلیت به شمار آورد. سئوالی که پیش می‌آید این است که چرا پوشش، یکی از شاخص‌های رؤیت‌پذیری در نظر گرفته شده است، در پاسخ می‌توان گفت که پوشش افراد، چیزی است که می‌تواند سبب تمایز شود و از این راه می‌توان به‌وجود گروهی متفاوت از بقیه افراد جامعه پی برد. زرتشتیان نیز پوشش خاص خود را داشته‌اند، ولی به مرور در پی مهاجرت به کلان‌شهر تهران این پوشش را کنار گذاشته‌اند، بنابراین می‌توان گفت که زرتشتیان، امروزه به واسطه پوشش در فضای عمومی شهر تهران رؤیت‌پذیری ندارند.

عوامل رؤیت‌ناپذیری

همان‌طور که ذکر شد زرتشتیان در شهر تهران رؤیت‌پذیری ندارند. حال این سوال پیش می‌آید که چرا برخلاف جریان جهانی که اقلیت‌ها خواهان رؤیت‌پذیری روزافزون هستند زرتشتیان در شهر تهران رؤیت‌ناپذیرند؟ سه مقوله «جمعیت اندک»، «سبک معماری» و «به حاشیه‌رانده شدن اجتماعی» را می‌توان عوامل رؤیت‌ناپذیری زرتشتیان در شهر تهران برشمرد.

۱. سایت‌هایی چون آُمرداد، برساد، هم‌زور، سایت انجمن زرتشتیان تهران، سایت انجمن موبدان تهران، سایت بنیاد جمشید جاماسیان و سایت کانون دانشجویان زرتشتی.

الف) جمعیت اندک

یکی از مهم‌ترین دلایل رؤیت‌ناپذیری زرتشتیان، تعداد کم جمعیت این اقلیت در تهران به طور خاص و در ایران به طور عام است.

«خب میدونین به جمعیت هم بستگی داره، ما در این جمعیت ۱۷ میلیون

نفری فقط ۰/۱ درصد رو تشکیل میدیم، معلومه نباید دیده بشیم» [۱]

به نظر می‌رسد می‌توان دو دلیل اصلی برای تعداد کم جمعیت زرتشتیان ذکر کرد: تمایل به داشتن فرزند کم در خانواده‌ها و مهاجرت. تعداد فرزندان خانواده‌های زرتشتی به‌ویژه نسل جدید، معمولاً از دو نفر تجاوز نمی‌کند که البته این در اکثر خانواده‌های ایرانی نیز جدا از نوع مذهب رواج دارد، اما با توجه به این که یکی از دلایل مهم اقلیت بودن یک گروه، تعداد جمعیت است و اغلب گروه‌های اقلیت سعی می‌کنند جمعیت‌شان را افزایش دهند، اما زرتشتیان حتی با تشویق رهبران‌شان، چندان رغبت و میلی به آوردن فرزند بیشتر و بالا بردن میزان جمعیت خود ندارند.

«از طرفی خانواده‌ها خیلی بخصوص در این یکی دو نسل گذشته خیلی کم بچه

میارن، یکی یا دو تا در نتیجه امکانات برای تحصیل فرزند خیلی بالا میره» [۶]

«بعضی‌ها میگن بچه زیاد بیارید تا دینمون حفظ بشه من به این چیزها

اعتقاد ندارم» [۷]

شاید مهم‌ترین دلیل جمعیت کم زرتشتیان از دهه شصت شمسی به بعد، مهاجرت باشد که دلایل آن با توجه به مصاحبه‌ها «حمایت سازمان هایاس»، «محدودیت‌های فرهنگی - اجتماعی» و «فردگرایی غالب بر جمع‌گرایی» باشد.

«الان مهاجرت هم باعث شده که اکثریت ما برن، جمعیت‌مون پراکنده شده

دیگه، الان تقریباً تموم دختر خاله‌هام و ... رفتن امریکا» [۲]

هایاس سازمانی است که از چندین سال پیش، شروع به جذب اقلیت‌های مذهبی در ایران کرده و فرد اقلیت تنها با سه هزار دلار می‌تواند اقامت امریکا را بگیرد. البته گویا این سازمان، جهت جذب ایرانیان یهودی به کشور اسرائیل تشکیل شده است، اما دیگر اقلیت‌ها را نیز برای رفتن به کشورهای اروپایی و امریکایی حمایت می‌کند.

«خب می‌دونید برای اقلیت‌ها یه راهی باز شده که می‌تونن با حداقل هزینه

برن امریکا ... این سازمانی که اقلیت‌ها رو حمایت می‌کنه و اونا رو از ایران خارج

می‌کنه به اسم هایاس، یه ده - پونزده سالیه که داره این کارو می‌کنه» [۲]

مشکلات اقتصادی و محدودیت‌های فرهنگی یکی دیگر از عوامل ترغیب به مهاجرت در میان زرتشتیان است، خصوصاً افرادی که اکثریت خاموش جامعه زرتشتیان را تشکیل می‌دهند و در این جامعه غیرفعالند و حسنّ تعلق پایینی نسبت به سایر افراد جامعه‌ی خود دارند.

«خب طرف اینجا می‌خواد به جایی استخدام بشه نمیتونه، می‌خواد به کار تولیدی راه بندازه، اجازه نمیدن. بعد این آدم میتونه بره سفارت اتریش، بعد درخواست پناهندگی کنه، ۶ ماه بعدش میره امریکا، ۵ سال بعدش ستیزن می شه، اونجا بهترین تحصیلات رو برای بچه‌هاش میتونه انجام بده» [۶] سومین دلیل مهاجرت زرتشتیان، افزایش فردگرایی و غلبه آن بر جمع‌گرایی است. فردگرایی به این معنا که فرد خود را همبسته و وابسته به جامعه زرتشتیان، سرزمین و ملت خود نمی‌داند بنابراین از میان مهاجرت و عدم مهاجرت، گزینه مهاجرت را انتخاب می‌کند چرا که مسائل و نیازهای فردی را مهمتر از نیازهای جمعی گروه زرتشتیان می‌داند و این در حالی است که جامعه زرتشتی بدلیل جمعیت کم به شدت، نیازمند عدم مهاجرت پیروان خود است. بعبارت دیگر، توجه به خود و نیازهای فردی، مهمتر از حسن تعلق به گروه است.

افزایش فردگرایی در میان زرتشتیان برابر با کم شدن باورها و اعتقادات مذهبی است، چرا که همبستگی اجتماعی به اندازه اعتقادات در اینجا اهمیت می‌یابد، به نحوی که اگر فردی جامعه را ترک کند، گویا اعتقادات خود را از دست داده است لذا فرد زرتشتی با مهاجرت، مناسک جمعی را از دست می‌دهد و با این که می‌داند، با رفتن او و هم‌کیشان‌ش، جامعه زرتشتی در خطر نابودی قرار می‌گیرد، اما همچنان حاضر به مهاجرت می‌شود.

«فکر می‌کنید دلیل این که افراد حاضر می‌شن جامعه رو ترک کنن، چیه؟»

خب اون فردگراییه که از حس عرق ملی خیلی قوی‌تره» [۶]

جمعیت زرتشتیان در تهران (البته استان تهران) طبق آمار ۱۱۰۰۰ نفر است که طبق مشاهدات در جشن‌های ماهانه، حداکثر ۱۰۰۰ نفر شرکت می‌کنند و در جشن سده، این تعداد نهایتاً به ۲۰۰۰ نفر می‌رسد، در نتیجه طبیعی است که این تعداد نمی‌توانند باعث رؤیت‌پذیری بالایی در جامعه شوند.

ب) سبک خاص معماری سنتی

به گفته براینتی «معماری روش قدرتمندی برای اداره کردن رؤیت‌پذیری‌ها است» (براینتی، ۲۰۱۰: ۱۱۶ و ۲۰۱۰: ۹). شاید بتوان گفت یکی از دلایل رؤیت‌ناپذیری مکان‌ها، سبک معماری درون‌گرای سنتی است که از گذشته‌های دور تا امروز در ایران وجود داشته است. سبک معماری سنتی در اغلب شهرهای ایران رواج داشته است، این نوع معماری خصوصاً در یزد و کرمان که

زرتشتیان در این شهرها از سال‌ها پیش سکونت داشته‌اند بارزتر است. در این سبک معماری درون-گرا، معابد، نیایشگاه‌ها و حتی منازل به نحوی طراحی شده‌اند که از بیرون توسط دیوارهای قطور بدون هیچ پنجره‌ای محافظت شده و هسته اصلی بنا در مرکز قرار می‌گیرد، بدون این که هیچ‌گونه رؤیت‌پذیری‌ای از بیرون داشته باشد، درباره معابد و نیایشگاه‌ها این مسئله بارزتر است. از آن‌جا که زرتشتیان، معابد جدیدی از سال‌ها پیش نساخته‌اند، معابد قدیمی آن‌ها طبق همین سبک ساخته شده است. در تهران نیایشگاه اصلی زرتشتیان، آدریان است که با دیوارهای قطور و بلند و بدون پنجره محافظت می‌شود و رؤیت‌پذیری از بیرون ندارد و این در حالی است که کلیسای حضرت مریم که درست در مقابل این بنا واقع شده است، به دلیل نوع معماری آن رؤیت‌پذیری قابل توجهی دارد.

«معماری سنتی ایرانی مثلا در یزد و... درون‌گرا بوده، یعنی این که همه

اتاق‌ها درون خونه است، نیایشگاه‌ها یک مسئله درونی است یعنی این که فرد

می‌خواهد با خدای خودش راز و نیاز کند ... مکان نیایش نباید مکان توریستی و

بازدید باشد، باید مکانی آرامش‌بخش باشد و خیلی توی دید نباشد» [۶]

بنابراین می‌توان سبک خاص معماری سنتی ایران را یکی از مهمترین عوامل رؤیت‌ناپذیری مکان‌های زرتشتیان در فضای عمومی شهر تهران عنوان کرد.

ج) به حاشیه رانده شدن اجتماعی

یکی دیگر از عوامل رؤیت‌ناپذیری اقلیت زرتشتی در فضای عمومی شهر تهران، «به‌حاشیه رانده شدن»^۱ این اقلیت در این شهر است.

«به‌حاشیه رانده شدن»^۲ مفهومی وسیع در حوزه جامعه‌شناسی است که درباره‌ی گروه‌هایی که در جامعه به نوعی مورد تبعیض قرار گرفته‌اند، استفاده می‌شود. هر نوع تبعیض از سوی گروه اکثریت به شکل‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... می‌تواند باعث به حاشیه رانده شدن اجتماعی گروه اقلیت شود. زرتشتیان، اقلیتی هستند که اگر در ظاهر بتوان گفت در متن جامعه مسلمانان ادغام شده‌اند و به هیچ عنوان، احساس غریبگی و در اقلیت بودن را ندارند، اما از درون که بنگریم، حکایت چیز دیگری است، حافظه تاریخی زخم خورده، محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی، حس در اقلیت بودن را به این گروه منتقل کرده است و به دلیل این‌گونه تبعیض‌ها به حاشیه رانده شده و به سمت درون‌گرایی میل پیدا کرده‌اند. با توجه به مصاحبه‌های انجام‌گرفته

1. Social Marginalization

2. Social Marginalization

«حساسیت‌ها و تبعیض‌های دولتی» و «محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی» را می‌توان دو عامل حاشیه‌ای شدن اقلیت زرتشتی دانست.

با توجه به مصاحبه‌های انجام‌گرفته «عدم اجازه ساختن اماکن مذهبی»، «تملك زمین‌ها و املاک زرتشتیان توسط دولت (مانند تملك زمین‌های واقع در قصر فیروزه توسط نیروهای مسلح یا سالن ورزشی منورآبادیان که در حال حاضر در اختیار آموزش و پرورش است)»، «برچسب‌زنی تبلیغ دین زرتشتی برای فعالیت‌های زرتشتیان» و «احساس فشار سازمانی در استخدام دستگاه‌های دولتی» را می‌توان از مصادیق حساسیت‌ها و تبعیض‌های دولتی دانست.

«اجازه‌ی ساخت اماکن مذهبی داده نمیشه ولی در ساخت اماکن فرهنگی

مشکلی نداریم» [۲]

« الان زمینایی داریم که مال انجمنه، زمینش مال ماست اما گرفتن و بهمون نمیدن، الان زمینای قصر فیروزه، اجاره است دست سپاه، البته ما اجاره ندادیم خودش گرفته، ساخته، بعد مثلا برای اینکه حلالش کنه اومده به انجمن ۳ درصد کل اجاره سالانه رو میده، اجاره میده که اونم درست و حسابی نمی‌ده» [۲]

[سؤال از مصاحبه شونده‌ای که برادرش مسلمان شده]: «بچه هاشون خودشون رو زرتشتی میدونن؟- یه لحظه می‌خوان، اما تو جامعه که نمیتونن، میگن اگه من بگم زرتشتی‌ام پس فردا تو جامعه برام مشکلاتی ایجاد میشه. یعنی اگه بخوان هم نمی‌تونن» [۳]

«بله از قدیم می‌شناختم کسانی رو که تو شغل‌های دولتی بودن، ولی الان نه، از قبل انقلاب تو بانک و حتی ارتش و ... اما الان ارتش اصلا اقلیت قبول نمی‌کنه، الان بیشتر زرتشتیا شغل‌های خصوصی و شخصی دارن» [۳]

از دیگر عوامل به حاشیه رانده شدن زرتشتیان، می‌توان به محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی اشاره کرد.

ذهنیت منفی زرتشتیان از مسلمانان، گاه ناشی از حافظه تاریخی زخم خورده این اقلیت است، این حافظه تاریخی زخمی بین این گروه و مسلمانان، شکافی تاریخی و ذهنی ایجاد کرده است. این احساس بی‌احترامی‌هایی که از جانب مسلمانان به این اقلیت وارد می‌شده تقریباً تا دو دهه قبل نیز در شهرهایی مانند یزد وجود داشته است و در حافظه جمعی این اقلیت خصوصاً در میان نسل قدیمی آنان وجود دارد.

تبعیض‌ها و فشارهای وارده به این اقلیت از جانب جامعه مسلمان، می‌تواند از دیگر عوامل میل به فاصله‌گیری و به دنبال آن به حاشیه رانده شدن این اقلیت در شهر تهران باشد.

«الان تهران چون وسیع‌تره این مشکل وجود نداره، اما قدیم تو یزد و کرمان و اینا میگفتن به فرض اگه طرف ساندویجی داره باید بگه که مسلمونا اگه دوست ندارن، اونجا نرن» [۳]

«مامانم همیشه به خاطره رو تو یادش داره، وقتی تعریف می‌کنه، اشک تو چشاش جمع می‌شه، می‌گه وقتی جوون بوده مثلاً ۳۰ سال پیش، اون موقع تو یزد زندگی می‌کردن، یه روز با یکی از دوستاش داشتن تو کوچه میرفتن، خیلی تشنه‌شون شده بوده، بعد از یه خانوم مسلمونی که دم در خونشون وایساده بوده، می‌خوان که بهشون آب بده، اونم میره با آفتابه براشون آب میاره، مامانم هر وقت اینو تعریف می‌کنه، گریه‌اش می‌گیره، اون موقع هم کیشامونو خیلی اذیت می‌کردن» [نمونه‌ای از مصاحبه اکتشافی]

این تبعیض‌ها باعث می‌شود زرتشتیان هویت خود را پنهان کرده و بیش از پیش از مسلمانان فاصله بگیرند و به رؤیت‌ناپذیری میل پیدا کنند.

نتیجه‌گیری

مساله رؤیت‌پذیری یکی از مباحث امروزی علوم اجتماعی است که در مورد اقلیت‌های قومی، نژادی و مذهبی مطرح شده -و به این معنا است که اقلیت‌ها در فضای عمومی، چگونه و تا چه اندازه دیده می‌شوند/ دیده نمی‌شوند- که در ادبیات نظری، ریشه در اندیشه کسانی چون میشل فوکو، ریچارد دایر، ادوارد سعید و آندره برایننتی دارد.

این تحقیق با استفاده از این مفهوم می‌خواهد به موقعیت اقلیت‌های دینی در شهر تهران بپردازد. در میان اقلیت‌های قانونی در ایران، اقلیت زرتشتیان به دو دلیل انتخاب شد. اول این‌که دامنه تحقیق، محدود گردد و دوم اینکه زرتشتیان ایران نسبت به اقلیت‌های دینی دیگر نظیر مسیحیان و یهودیان وضعیت ویژه‌ای دارند. حضور این گروه در ایران به لحاظ تاریخی بر خلاف یهودیان و مسیحیان، حاصل مهاجرت نبوده و آن‌ها خود را در جامعه ایران میزبان می‌دانند و نه میهمان. بنابراین در تعمیم نتایج حاصل از این تحقیق به سایر اقلیت‌ها باید احتیاط نمود چرا که بررسی وضعیت هر یک از اقلیت‌ها اعم از دینی، قومی و نژادی در زمینه‌های مختلف، نیازمند تحقیقات جداگانه‌ای است.

پرسش اساسی تحقیق این بود که رؤیت‌پذیری اقلیت زرتشتیان به‌عنوان یکی از سه اقلیت دینی قانونی در فضای عمومی شهر تهران چگونه است؟ با توجه به اکتشافی بودن موضوع تحقیق از روش کیفی «زمینه‌ای» استفاده شد، بنابراین از پیشینه مفهومی پژوهش، چهار شاخص مکان، رسانه‌ها،

مناسک و پوشش جهت سنجش رؤیت‌پذیری زرتشتیان انتخاب گردید و مقوله‌ها و نتایج از خلال اسناد، مشاهدات و انجام یازده مصاحبه عمیق به‌دست آمد.

زرتشتیان اقلیتی بسیار کوچک هستند که حدود دو صدم کل جمعیت ایران و نیم درصد کل جمعیت تهران را تشکیل می‌دهند. تعداد زیادی از جمعیت این اقلیت از اواسط دهه شصت شمسی تاکنون به امریکا مهاجرت کرده‌اند اما جمعیت باقی‌مانده در تهران هم‌چنان از مکان‌های سابق خود مانند معبد، در مانگاه، کتاب‌خانه، مدرسه، سالن پذیرایی و اجتماعات و ... برخوردارند. زرتشتیان در شاخص مکان تا حد زیادی رؤیت‌ناپذیرند. با توجه به پیشرفت شهر تهران از حیث ساخت و سازها طی دهه‌های گذشته، مکان‌های قدیمی زرتشتیان در فضای عمومی این شهر پنهان شده و چندان به چشم نمی‌آیند. در شاخص مناسک، به رغم این‌که زرتشتیان به‌طور ماهانه و سالانه مراسم و جشن‌های بسیاری برگزار می‌کنند، اما این مراسم (حتی جشن سده و مهرگان)، در یک مکان عمومی برگزار نمی‌شود و اغلب رؤیت‌ناپذیرند.

با وجود این‌که اغلب زنان زرتشتی از روسری سفید استفاده می‌کنند اما با گذشت زمان، آن‌ها نیز پوشش‌های سنتی خود را کنار نهاده و در فضای عمومی متمایز از دیگران نیستند لذا زرتشتیان در شاخص پوشش نیز رؤیت‌ناپذیرند. رسانه‌ها در دنیای امروز یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رؤیت‌پذیری و هویت بخشی اقلیت‌های مذهبی در جامعه هستند، محقق بر این اساس با بررسی رسانه‌های زرتشتیان به این نتیجه رسید که رسانه‌های مکتوب زرتشتیان به جز یک مورد (دوهفته‌نامه امرداد) که در بسیاری از کیوسک‌های روزنامه‌فروشی به فروش می‌رسد، رؤیت‌ناپذیرند و شاید بتوان گفت رسانه‌های الکترونیکی بیشترین سهم را در رؤیت‌پذیری زرتشتیان در فضای مجازی دارند. در نتیجه، زرتشتیان با شاخص‌هایی چون مکان، مناسک، رسانه‌ها و پوشش، در فضای عمومی شهر تهران رؤیت‌پذیر نیستند.

در باب دلایل رؤیت‌ناپذیری زرتشتیان، سه مقوله «جمعیت اندک»، «سبک خاص معماری سنتی بناهای زرتشتیان» و «به حاشیه‌رانده شدن اجتماعی» به‌دست آمد که مقوله سوم ربط وثیقی با سیاست‌های دولت دارد. به این معنا که اگر سیاست دولت‌ها را در زمینه اقلیت‌ها شامل دو دسته «هماندگری^۱» و «چندفرهنگ‌گرایی^۲» بدانیم -هماندگری یعنی سیاست‌هایی که با تکیه بر اجرای آن‌ها اقلیت‌ها کاملاً در هنجارها و ارزش‌های جامعه اکثریت جذب می‌شوند، در مقابل سیاست چند فرهنگ‌گرایی که همه اقلیت‌ها اجازه حضور در جامعه را دارند و تنوعات به رسمیت شناخته می‌شود- به نظر می‌رسد که سیاست‌های اعمالی در مورد اقلیت‌ها در ایران به سیاست هماندگری نزدیکتر است، بنابراین می‌توان چنین گفت که رؤیت‌ناپذیری زرتشتیان دلیل دوگانه‌ای دارد، از سویی به‌دلیل سیاست‌های دولتی مبنی بر یک‌دست‌سازی هر چه بیشتر جامعه ایرانی،

1. Assimilation
2. Multiculturalism

محدودیت‌هایی برای بروز و ظهور اقلیت‌های دینی وجود دارد و از سویی دیگر به دلیل گرایش زرتشتیان به حفظ هر چه بیشتر انسجام درونی جامعه خود، آن‌ها به روابط درونی تمایل دارند از این‌رو سعی می‌کنند برای حفظ دین خود و به رسمیت شناخته شدن در جامعه و از دست ندادن حقوقی که به صورت قانونی دارند، به شکلی کاملاً مسالمت‌آمیز در میان جامعه‌ی مسلمان ایرانی به زیست آرام خود ادامه دهند و در نتیجه برخلاف اقلیت‌های مذهبی جوامع دیگر مانند کشورهای اروپایی، میل چندانی برای رؤیت‌پذیری در فضای عمومی جامعه ندارند.

منابع

- آریانپور، منوچهر (۱۳۷۷)، *فرهنگ پیشرو*، جلد ششم، تهران: انتشارات جهان رایانه.
- باطنی، محمدرضا و دستیاران (۱۳۸۸)، *فرهنگ معاصر یویا*، تهران: فرهنگ معاصر.
- حق‌شناس، محمد علی، حسین سامعی و نرگس انتخابی (۱۳۸۱)، *فرهنگ معاصر هزاره*، انگلیسی-فارسی، جلد دوم، تهران: فرهنگ معاصر.
- شریعتی، سارا (۱۳۸۸)، "دین در شهر"، سخنرانی در انجمن جامعه‌شناسی دین، ۱۲ اسفند ۸۸، منتشر شده در سایت انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- فریزی، دیوید (۱۳۸۶)، *گئورک زیمل*، مترجم: مسمی پرست، شهناز، تهران: ققنوس.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی (۱۳۶۸)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کیومرثی، جمشید (۱۳۸۲)، "زرتشتیان از دوران مشروطه تا امروز"، پایان نامه کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران-مرکز.
- Akgönül, Samim (2011) *Synthèse finale: dans le Minorités religieuses, religions minoritaires: visibilité et reconnaissance dans l'espace public* Colloque des 7-8 avril 2011, Strasbourg (Université de Strasbourg / UMR 7012 PRISME-SDRE)
- Allievi, Stefano (2003) ,” *Sociology of a Newcomer: Muslim Migration to Italy - Religious Visibility, Cultural and Political Reactions*”, *Immigrants & Minorities*, 22: 2, 141 — 154
- Amghar, Samir, Amel Boubekour and Michael Emerson, 2007, *European Islam Challenges for Public Policy and Society*. Centre for European Policy Studies Place du Congrès 1, B-1000 Brussels.
- Andersson, Mette. 2009. *Religion in Inner City Oslo. Published in street signs center for urban and community search*. Goldsmiths, university of London.
- Brighenti ,Andrea Mubi and Cristina Mattiucci 2007. *Editing Urban Environments: Territories,Prolongations, Visibilities.*, 1,City, circulation,
- Brighenti ,Andrea Mubi.2010a. *Visibility in Social Theory and Social Research*.First published by PALGRAVE MACMILLAN.UK.

- ,2007. *Visibility : A Category for the Social Sciences*,
Current Sociology 55: 323 Published by:sage.
<http://www.sagepublications.com>
- ,2008. *Editing Urban Environments:
Territories,Prolongations, Visibilities*. <http://www.eprints.biblio.unitn.ir>
- ,,2010b. *Democracy and its visibilities*. Published in
"Surveillance and Democracy" Edited by Kevin D.Haggenly and Miras
Samatas, individual chapters the contributors. Pulished in the Tylor& Francis
e.Library.(2010) (pp:51-69)
- Green, Todd H.2009. *Mosques, Minarets, and the Islamic Challenge to
European Identity*, On November 29, the Swiss people went to the polls and
voted. Luther College.
- Jouili, Jeanettes. 2007. *Being a Pious French Muslim Woman*. Islam review 19.
Spring
- Isabelle Rigoni (MIGRINTER): *"L'Islam médiatique. Stratégies de
visibilisation"* dans le Minorités religieuses, religions minoritaires : visibilité
et reconnaissance dans l'espace public Colloque des 7-8 avril 2011,
Strasbourg
- Maulin, Éric (Université de Strasbourg / UMR 7012 PRISME-SDRE): *"La
dissidence religieuse dans les limites de la raison d'Etat"* dans le Minorités
religieuses, religions minoritaires : visibilité et reconnaissance dans l'espace
public Colloque des 7-8 avril 2011, Strasbourg
- Thompson, John B..2005. *The New Visibility. Theory Culture Society* .22- 31.
Published by:sage. <http://spq.sagepub.com/content>.
- Tyrer, D., 2008. *The unbearable whiteness of seeing: moderated Muslims,
(in)visibilities and Islamophobia*. Published in THINKING THRU'
ISLAMOPHOBIA Symposium Papers Organised by S.Sayyid Abdoolkarim
Vakil.
- Voci, Alberto, Miles Hewstone, Richard J. Crisp and Mark Rubin.2008.
*Majority, Minority, and Parity: Effects of Gender and Group Size on Perceived
Group Variability*. Social Psychology Quarterly. 71-114. Published by:sage.
<http://spq.sagepub.com/content/71/2/114>.